

## ابعاد فقهی اطاعت پذیری زوجه در مسائل جنسی و تأثیر آن در سبک زندگی اسلامی

نویسندگان: حکیمه اسفندیاری<sup>۱</sup>، مریم برقی<sup>۲</sup> (نویسنده مسئول)

### چکیده

اطاعت پذیری زوجه به عنوان بُعدی از ابعاد روابط خانوادگی از اهمیت زیادی برخوردار است. به طوری که محور خانواده و جامعه سالم بر پایه آن استوار است. این بُعد از روابط خانوادگی در اسلام دارای جنبه‌های گوناگونی نظیر اطاعت پذیری در زمینه های قبول ریاست و سرپرستی مرد، عدم خروج از منزل بدون اذن وی و در امور جنسی است؛ که در این میان فرمانبری زن در امور جنسی از مهم ترین عوامل اثرگذار بر بقا و پایداری خانواده و تأثیرگذار در سبک زندگی اسلامی می باشد. در واقع خداوند نیاز جنسی را در طبیعت انسان قرار داده و اسلام آن را پذیرفته است. رفع نیاز جنسی همانند دیگر نیازهای انسان، لذتی به همراه دارد که برترین و شدید ترین نوع لذت است؛ که انسانی از انسان دیگر می برد. بنابراین لذت جنسی یک رابطه انسانی است؛ و طبق قاعده در روابط انسانی ساز و کار خاصی حاکم است. که اسلام آن را مشخص می کند، و اگر به درستی رعایت شود در جهت کمال انسان مفید می افتد و گرنه سبب سقوط انسان خواهد شد.

هدف از نوشتن این پژوهش آشنایی با ابعاد فقهی این اطاعت پذیری و عمل به آن و در نهایت رسیدن به کمال اعضای خانواده و جامعه است. در این نوشتار برآنیم که، با استفاده از ادله فقهی، قرآن و روایات و...، اطاعت پذیری زنان را در مسائل جنسی و تأثیر آن را در سبک زندگی اسلامی بررسی کنیم. با روش توصیفی- تحلیلی و استنباطی گردآوری مطالب با روش کتابخانه ای به جمع آوری اطلاعات می پردازیم.

از پژوهش حاضر به دست آمد که، فرمانبری زنان از مردان در امور جنسی، مورد اتفاق همه دانشمندان فقهی است. در نتیجه اطاعت پذیری زوجه تعالی و پیشرفت در سبک زندگی اسلامی و در نهایت به لقای الهی و بصیرت و آرامش روانی زوجین منتهی می شود.

کلمات کلیدی: اطاعت پذیری، تمکین، سبک زندگی اسلامی، سرپرستی، خانواده

<sup>۱</sup> . دانش پژوه دکتری فقه خانواده، افغانستان، کد تحصیلی ۱۱۵۵۴۸۰، مدرسه عالی قرآن و فقه، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

<sup>۲</sup> . استناد حوزه، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران

نهاد خانواده یکی از مهم‌ترین نهادهای نظام اجتماعی است. به همین دلیل اسلام برای هریک از اعضای آن، وظایف و حقوقی تأیین کرده است. در این میان حقوق زوجین که پایه و اساس خانواده هستند با هم یکسان نمی‌باشند؛ منشأ و راز این تفاوت‌ها وضع طبیعی زن و شوهر و خصایص جسمانی و روانی آن‌ها است.

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان بر این اعتقاد است که: «آفرینش انسان چنان بوده که، زن و مرد در ساختمان طبیعی بدن، مکمل یکدیگرند و هر یک به تنهایی ناقص و نیازمند دیگری اند. این نیاز موجب می‌شود که زن و مرد به سوی یکدیگر حرکت کنند و سکونت و آرامش یابند. وی این امر را از بزرگترین و آشکارترین نعمت‌ها و موهبت‌های عالم طبیعت می‌داند که ساختمان جامعه بشری بر آن استوار می‌شود و موجب پیدایی تعاون و همکاری میان افراد می‌شود.» (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ۴/۲۸۵)

حق شوهر بر زن از جایگاه ویژه و خاصی برخوردار است. اکثر مفسران بر این باورند یکی از اموری که بر قوامیت مرد مترتب است؛ اطاعت افراد خانواده از جمله زنان از مرد است.

صاحب تفسیر المیزان، در ذیل آیه شریفه «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَ دَرَجَةٌ ۗ» (بقره: ۲۲۸) «چون اسلام شریعت خود را بر اساس فطرت و خلقت بنا کرده، معروف از نظر اسلام همان چیزی است که مردم آن را معروف بدانند، البته مردمی که از راه فطرت به یک سو نشده، و از حد نظام خلقت منحرف نگردیده باشند، و یکی از احکام چنین اجتماعی این است که تمامی افراد و اجزای اجتماع در هر حکمی برابر و مساوی باشند و در نتیجه احکامی که علیه آنان است برابر باشد با احکامی که به نفع ایشان است، البته این تساوی را باید با حفظ وزنی که افراد در اجتماع دارند رعایت کرد، آن فردی که تاءثر در کمال و رشد اجتماع در شؤن مختلف حیات اجتماع دارد، باید با فردی که آن مقدار تاءثر را ندارد، فرق داشته باشد، مثلاً باید برای شخصی که حاکم بر اجتماع است حکومتش محفوظ شود، و برای عالم، علمش و برای جاهل جهلش، و برای کارگر نیرومند، نیرومندی اش، و برای ضعیف، ضعفش در نظر گرفته شود، آنگاه تساوی را در بین آنان اعمال کرد، و حق هر صاحب حقی را به او داد، و اسلام بنا بر همین اساس احکام له و علیه زن را جعل کرده، آنچه از احکام که له و به نفع او است با آنچه که علیه و بر ضد او است مساوی ساخته، و در عین حال وزنی را هم که زن در زندگی اجتماعی دارد، و تأثیری که در زندگی زناشویی و بقای نسل دارد در نظر گرفته است، و معتقد است که مردان در این زندگی زناشویی یک درجه عالی بر زنان برتری دارند و منظور از درجه، همان برتری و منزلت است.

از اینجا روشن می‌گردد که جمله (وللرجال علیهن درجه ...)، قیدی است که متمم جمله سابق است و با جمله قبلی روی هم یک معنا را نتیجه می‌دهد و آن این است که خدای تعالی میان زنان مطلقه با مردانشان رعایت مساوات را کرده، در عین حال درجه و منزلتی را هم که مردان بر زنان دارند، منظور داشته است، پس آن مقدار که له زنان حکم کرده، همان مقدار علیه آنان حکم نموده

نه بیشتر، « (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ۲/۳۴۹)

تمکین مهمترین دلیلی است که، در باب سرپرستی خانواده و لزوم اطاعت پذیری زوجه در مسائل جنسی بدان تمسک می شود. «آدمی همواره با ازدواج به روابط جنسی خود نظم و نظام بخشیده و از هرج و مرج جنسی جلوگیری کرده است. بر این اساس جامعه شناسان تنظیم رفتارهای جنسی را یکی از کارکردهای خانواده می داند.» (بستان، ۱۳۹۰، ش، ۱۰۱)

تحقیق های متعددی تا کنون در رابطه با لزوم تمکین زوجه یا اطاعت پذیری زوجه از زوج شده ولی تا به حال تحقیقی تاثیر آن را در سبک زندگی اسلامی بررسی نکرده است.

در این تحقیق ابتدا به بحث مفاهیم مهم رفته ایم؛ بعد از آن لزوم اطاعت پذیری جنسی زوجه را در فقه اثبات کرده ایم از طریق منابع کتاب و سنت و اجماع؛ و بعد از آن به سراغ برخی مولفه های سبک زندگی اسلامی رفته ایم و تاثیر این اطاعت پذیری را در این مولفه ها بررسی کرده ایم. به دنبال پاسخ این سوال هستیم که آیا لزوم اطاعت پذیری جنسی زوجه در فقه امامیه برسبک زندگی اسلامی تاثیری دارد؟

## ۲ مفاهیم

در این بخش به بررسی مفاهیم کلیدی و مهم می پردازیم.

### ۲/۱ تمکین

تمکین در لغت از مصدر فعل مَکَّنَ یَمَکِّنُ تمکین و به معنای قدرت سلطنت دادن فرمانبری و تن در دادن است. ( جرجانی ۱۴۰۳ق، ۹۲/۱؛ حسینی زبیدی، بی تا، ۱۹۱/۳۶؛ ابن منظور ۱۴۱۴ق ۴۱۲/۳)

چنان که در قرآن آمده است: «وَنُمَكِّنْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ» و ایشان را در سرزمین مستقر گردانیدیم و سلطه و حکومتشان دهیم. (قصص: ۶) تمکین در اصطلاح، مراد این است که زن جهت استمتاع، خود را در اختیار شوهر قرار دهد و استمتاع شوهر از خود را - جز در موارد وجود مانع عقلی یا شرعی - محدود به زمان یا مکان و یا کیفیت خاصی نکند. (نجفی ۱۴۱۷ق، ۳۰۳/۳۱)

چنانچه زن تن در دادن به عمل زناشویی را به زمان و مکان دیگری موکول نماید، تمکین حاصل نخواهد شد. (طوسی، ۱۳۸۷ق، ۱۴۲/۲)

### ۲/۲ اطاعت

اطاعت، مقابل عصیان و به معنای موافقت واقعی مکلف با حکم خداوند است که یا از راه قطع یا حجت معتبر به دست آمده باشد، مثل این که انسان به حرمت چیزی - شرب خمر (قطع پیدا کند) و آن را ترک نماید و آن چیز در واقع هم حرام باشد؛ یعنی قطع او مطابق واقع باشد. (مشکینی، ۱۳۷۱ش، ۹۶؛ خراسانی، بی تا، ۳۵۰)

این واژه از ریشه «طوع» (ضد کره) به معنای فرمان بردن (فیومی، بی تا، ۳۸۰/۱) همراه با خضوع و رغبت است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۵۲۹) در تفاوت اطاعت با «اتباع» و «اجابت» گفته‌اند: اطاعت فرمانبری از موجودی برتر است، درحالی‌که اتباع، مطلق پیروی با فرمان یا بدون فرمان، و اجابت، پذیرش درخواست موجود زیر دست است. (مصطفوی، بی تا، ۱۳۸/۷)

فرمانبری زن از همسر خود در مسائل زناشویی، از مواردی است که خداوند بدان فرمان داده است. از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) نقل است که «بهترین زنان، کسی است که وقتی به او فرمان دادی، از تو اطاعت کند». زنی که مخالفت کند و ناشزه شود، از پاره‌ای حقوق از جمله حق هم‌خوابی محروم می‌گردد. (طبری، بی تا، ۵/ ۸۲-۹۹) و چنانچه از سرپیچی دست برداشت و مطیع گردید، شوهر حق ستم و آزار وی را ندارد: «...فَإِنْ أَطَعْتَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا»؛ (نساء: ۳۴)

### ۳ ادله لزوم اطاعت پذیری زوجه در مسائل جنسی

اطاعت پذیری از زوج در مسائل جنسی از امور مسلم نزد پیروان دین اسلام است؛ چه بسا برخی بر این باورند که از ضروریه دین وفقه است. لکن برای استحکام نوشتار به برخی از ادله آن می‌پردازیم. بحث خود را از کتاب که مهم‌ترین دلیل ما هست شروع می‌کنیم.

#### ۳،۱ کتاب

۱. آیه شریفه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَأَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْتَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا» مردان، سرپرست و نگهبان زنانند، بخاطر برتریهایی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است، و بخاطر انفاقهایی که از اموالشان (در مورد زنان) می‌کنند. و زنان صالح، زنانی هستند که متواضعند، و در غیاب (همسر خود)، اسرار و حقوق او را، در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده، حفظ می‌کنند. و (اما) آن دسته از زنان را که از سرکشی و مخالفتشان بیم دارید، پند و اندرز دهید! (و اگر مؤثر واقع نشد)، در بستر از آنها دوری نمایید! و (اگر هیچ راهی جز شدت عمل، برای وادار کردن آنها به انجام وظایفشان نبود)، آنها را تنبیه کنید! و اگر از شما پیروی کردند، راهی برای تعدی بر آنها نجویید! (بدانید) خداوند، بلندمرتبه و بزرگ است. (و قدرت او، بالاترین قدرتهاست)» (النساء: ۳۴)

در این آیه بعد از بیان حقوق و تکالیف همسران نسبت به یکدیگر در مقابل عدم اطاعت زوجه و عصیان او راهکار و مجازات شرعی در نظر گرفته شده است؛ و چنانچه تمکین تکلیف و واجب نبود، قطعاً چنین مجازات و ضمانت اجرایی برای آن در نظر گرفته نمی‌شد. (صابونی، ۱۴۰۰ق، ۴۶۳/۱-۴۷۶)

آیه شریفه «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِنَفْسِكُمْ؛ زنان شما، محل بذرافشانی شما هستید؛ پس هر زمان که بخواهید، می‌توانید با آنها آمیزش کنید». (بقره: ۲۲۳)

این آیه دال بر لزوم تمکین زوجه از زوج دارد، ظاهر آیه بیانگر حقوق زوجین نسبت به حق تمتعات جنسی می باشد. این آیه دال و لزوم تمکین زوجه از زوج است؛ زیرا آیه در مقام تجویز هرگونه استمتاع متعارف و معقول زوج از زوجه است. برخی از مفسران می گویند می گویند اگر کلمه آنی زمانیه باشد (زیدان، ۱۴۱۹ق، ۳۵) توسعه در آمیزش جنسی با زنان برداشت می شود که شامل تمام ساعات شبانه روز می گردد؛ یعنی هر ساعتی آمیزش جنسی مجاز است، و اگر مکانیه باشد، منظور توسعه در مکان و کیفیت آمیزش است (مقدس اردبیلی، بی تا، ۵۴۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۴۲/۲؛ ابن کثیر، ۱۴۲۰ق، ۵۸۹/۱) فقها بر اساس این آیه، تمکین را با عدم مانع عقلی و شرعی در هر حال بر زن واجب ساخته اند. (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۳۰۷/۳۱)

از نظر فقهی زوجه باید از زوج در امور جنسی تمکین کند؛ استمتاع حق زوج است به همین دلیل زوجه مکلف است مطابق خواسته زوج برای استمتاع، تمکین کند. (حلی، بی تا، ۴۰/۲) این حکم از نظر زمانی و مکانی مطلق بلکه عام است. (محقق حلی، ۱۴۰۸، ۲۹۱/۲) در هر صورت با عنایت به اینکه استمتاع جنسی هدف برقراری عقد نکاح محسوب می شود تعدادی از فقیهان نیز آن را نه تنها یک حق، بلکه یک حق با تمام ویژگی هایش می داند؛ که شامل قابلیت مطالبه و الزام اسقاط است؛ و حتی نسبت به اینکه ذی حق مرد باشد یا زن تفاوت قائل نشده اند. (مکارم شیرازی ۱۳۷۴ش، ۱۱۱/۶؛ طوسی ۱۳۸۷ق، ۱۳۶؛ عاملی ۱۴۱۳ق، ۴۴۵/۸)

## ۳،۲ سنت

در رابطه با بحث لزوم اطاعت پذیری زوجه دو نمونه روایات داریم. ۱. روایت هایی که در ذیل تفسیر آیه ۲۲۳ بقره آمده است. ۲. روایت هایی که در مضمون آنها بر لزوم تمکین زوجه دلالت دارد.

### ۳/۲/۱ روایت های ذیل تفسیر آیه ۲۲۳ بقره

در تفسیر این آیه روایت های ذیل آمده است؛ که برخی آنی شِئْتُمْ را به آمیزش از فرج اختصاص می دهد؛ مانند:

الباقر (علیه السلام) - عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى نَسَآؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَآتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ قَالَ: مِنْ قُبُلٍ. (مجلسی ۱۴۰۴ق، ۲۹/۱۰۱) زراره گوید: از امام (علیه السلام) در مورد آیه: نَسَآؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَآتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ سؤال کردم، حضرت پاسخ داد: منظور، آمیزش از طریق فرج است.

همچنین روایتی از امام رضا علیه السلام به این مضمون دلالت دارد؛ که منظور آمیزش از فرج است.

(ب) الرضا (عليه السلام) - عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ الرضا (عليه السلام): أَيُّ شَيْءٍ يَقُولُونَ فِي إِثْبَانِ النِّسَاءِ فِي أَعْجَازِهِنَّ؟ قُلْتُ: إِنَّهُ بَلَّغَنِي أَنَّ أَهْلَ الْمَدِينَةِ لَا يَرَوْنَ بِهِ بَأْسًا. فَقَالَ: إِنَّ الْيَهُودَ كَانَتْ تَقُولُ إِذَا أَتَى الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ فِي خَلْفِهَا خَرَجَ الْوَلَدُ أَحْوَلَ فَانْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ نَسَآؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَآتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ مِنْ خَلْفٍ أَوْ قُدَّامٍ خِلَافًا لِقَوْلِ الْيَهُودِ وَلَمْ يَعْنِ فِي أَدْبَارِهِنَّ. (شيخ عاملی، ۱۴۱۶ق، ۱۴۱/۲۰)

معمَرین خَلَّاد گوید: امام رضا (علیه السلام) از من پرسید: «آنها (مردم) در مورد آمیزش با زنان از نشیمنگاهشان چه حکم می‌کنند؟» به حضرت پاسخ دادم: «به من خبر رسیده که مردم مدینه، اشکالی در آن نمی‌بینند». حضرت فرمود: «یهود قائل بودند که اگر مرد، با همسر خود از پشت، آمیزش کند، فرزند آنان لوچ می‌شود؛ پس خداوند، آیه‌ی نِسَاؤُكُمْ حَرِّثُ لَكُمْ فَاَتَوْا حَرِّثُكُمْ اَنِّی شِئْتُمْ را نازل کرد. یعنی برخلاف نظر یهود، می‌توانید چه از پشت (مقاربت از فرج اما به نحوی که مرد پشت زن باشد) و چه از جلو با زنان آمیزش کنید و معنای آن، دُبَر (پشت) نیست».

روایت‌هایی که اَنِّی شِئْتُمْ را به نزدیکی از فرج اختصاص نمی‌دهد؛ مانند:

الف) الصَّادِق (علیه السلام) - عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) عَنْ إِتْيَانِ النِّسَاءِ فِي أُعْجَازِهِنَّ. قَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ، ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ نِسَاؤُكُمْ حَرِّثُ لَكُمْ فَاَتَوْا حَرِّثُكُمْ اَنِّی شِئْتُمْ قَالَ: حَيْثُ شَاءَ. (شیخ حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ۱۴۷/۲۰)

عبدالله بن ابویعفر گوید: از امام صادق (علیه السلام) درباره‌ی دخول در مقعد زنان پرسیدم؟ فرمود: «اشکالی ندارد!» سپس این آیه را تلاوت فرمود: نِسَاؤُكُمْ حَرِّثُ لَكُمْ فَاَتَوْا حَرِّثُكُمْ اَنِّی شِئْتُمْ فرمود: «هرجا خواست».

گفته می‌شود (اَنِّی) در زمان و مکان استعمال می‌شود و در این آیه مبارک مطلق آمده، بنابراین به مردان حق هر گونه بهره‌وری از زن را می‌دهد. مردان در هر زمان و مکان و هر نوع استمتاعی را می‌توانند از همسر خود داشته باشند. (حلی، ۱۴۱۰ق، ۶۰۷/۲)

برخی روایت‌ها که در تفسیر آیه وارد شده نیز این اطلاق را تأیید می‌کند. (شیخ حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ۱۰۲/۱۴)

باید گفت: اولاً آیه در مقام رفع حظر است. یعنی وقتی ممنوعیت ایام حیض مرتفع شد استمتاع در هر زمان و مکان یا به هر شکل، ممنوع نیست. اما آیه در صدد اثبات این که؛ تمام انواع استمتاع در هر زمان و مکان و ... حق مرد است یا تکلیف زن، نیست. به تعبیر دیگر اطلاق آیه در جهت جواز و رفع حظر است نه در جهت اثبات حق یا تکلیف. به قدر متیقن یعنی نزدیکی از فرج باید اکتفا کرد. (موسوی خویی، بی تا، ۱۳۱/۱)

ثانیاً آیه در صدد بیان این است که زنان برای بقای نسل مانند حرث می‌باشند. و بقای نوع، تقیید زمانی یا مکانی بر نمی‌دارد. بنابراین در صدد اثبات حق استمتاع برای مرد به صورت مطلق نیست. (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۲۱۲/۲)

ثالثاً ظهور (اَنِّی) در زمان است و نسبت به مکان یا امور دیگر، ظهوری ندارد تا بتوان از آن استفاده اطلاق کرد. (موسوی خویی، بی تا، ۱۳۱/۱)

رابعاً روایت‌هایی که در ذیل آیه ۲۲۳ بقره آمده اند همه مرسل (موسوی خویی، بی تا، ۱۳۱/۱) و معارض یکدیگر هستند بنابراین به آنها نمی‌توان در تفسیر آیه استناد کرد. (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ۱۰۲/۱۴)

## ۳،۲،۲ روایت های با مضمون لزوم تمکین زوجه

در این موضوع روایت های متعددی ممکن است مورد استناد، قرار گیرد، لازم است نخست آنها را ذکر کرده و سپس به بررسی محتوای آنها بپردازیم.

۱- محمد بن مسلم عن ابی جعفر (علیه السلام) ... ما حق الزوج علی المرأة فقال: ... و لا تمنعه نفسها و ان کانت علی ظهر قتب؛ (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ۱۵۸/۲۰؛ کلینی ۱۴۰۷ق، ۵/۵۰۷)

یکی از حقوق شوهر بر زن آن است که خود را از او دریغ مدارد و لو بر پشت ناچه باشد.

۲- عن ابی عبدالله (علیه السلام) قال: (اتت امرأة الی رسول الله فقالت: ما حق الزوج علی المرأة؟ قال: ان تجیه الی حاجته و ان کانت علی قتب و لا تعطی شیئا الا باذنه فان فعلت فعلیها الوزر و له الاجر و لا تبیت لیله و هو علیها ساخط قالت یا رسول الله و ان کان ظالما؟ قال: نعم)؛ (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ۱۵۸/۲۰)

امام صادق (علیه السلام) فرمود: زنی نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و پرسید حق شوهر چیست؟ فرمود، او را اجابت کند و لو بر پشت شتر باشد. مالی را بدون اذن او نبخشد، اگر چنین کند ثواب آن به شوهر رسد و عقابش بر زن است. و این که شبی را به صبح نرساند در حالی که شوهر از او ناخشنود است. زن گفت: گرچه شوهر ظالم است، فرمود: بلی.

۳- عن ابی جعفر (علیه السلام) قال: (قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) للنساء: لا تطولن صلاتکین لئلا تمنعن ازواجکم)؛ (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ۱۱۲/۱۴، ۱۱۷، ۱۲۶؛ کلینی ۱۴۰۷ق، ۵/۵۰۸)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: نمازتان را طولانی نکنید که شوهرانتان را از (خود) منع کنید.

۴- و عن ابی عبدالله (علیه السلام) قال: (ان امرأة انت رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) لبعض الحاجة فقال لها لعلک من المسوفات قالت و ما المسوفات یا رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم)؟ قال: المرأة التي يدعوها زوجها لبعض الحاجة فلا تزال تسوفه حتی ینعس زوجها فینام فتلك التي لا تزال الملائكة تلعنها حتی یستقیظ زوجها)؛ (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ۱۶۵/۲۰؛ کلینی ۱۴۰۷ق، ۵/۵۰۸)

زنی نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و تقاضایی داشت حضرت فرمود: نکند تو از (مسوفات) هستی؟ گفت: آنها کیانند؟ فرمود: زنی که شوهرش او را برای نیازی می خواند و او شوهر را سر می گرداند تا خوابش برد. این زن را فرشتگان لعنت می کنند تا زمانی که بیدار شود.

در میان این روایات، حدیث صحیح‌السند نیز وجود دارد اگرچه اکثر آنها با موازین رجالی منطبق نیست و اعتبار رجالی ندارد و به ویژه آنها که دلالت روشن‌تری دارد از نظر سند با مشکل مواجه است. مثل حدیث دو که ابن ابی حمزه مشکل دارد. سخن را با فرض صحت به دلالت آنها اختصاص می‌دهیم.

در این روایت‌ها اطلاقی دیده نمی‌شود. بدین معنا که شوهر هرگاه از زن خواهشی داشت او باید اجابت کند. به گونه‌ای که اگر زن از جهت جسمی، روحی و روانی آمادگی ندارد، باز هم بر او واجب باشد اجابت خواسته شوهر کند. بلکه این روایات به زن توصیه می‌کند از روی عناد و لجاجت، به شوهر جواب نفی ندهد. شواهدی بر این مطلب در این احادیث وجود دارد، که بدان اشاره می‌کنیم:

الف. در تعدادی از این احادیث کلمه (منع) به کار رفته مثل حدیث یکم، سوم، ظهور این کلمه آن است که بدون هیچ عذر و بهانه پاسخ منفی دهد. اگر زن هیچ عذری ندارد و تنها از روی عناد و لجاجت شوهر را باز می‌دارد این منع است.

ب. تعبیر طولانی کردن نماز در حدیث سوم یا مسوفه بودن در حدیث چهارم نیز، دلالت دارد که زن بی‌جهت می‌خواهد از خواسته شوهر شانه خالی کند.

گروهی از فقها نیز تصریح کرده‌اند که در ادله اطلاقی نیست. نصوصی که دلالت دارد واجب است زن مطیع شوهر باشد (در امور جنسی) خالی از اجمال نیست زیرا به ضرورت نمی‌توان در هر کار (استمتاع) به آن احادیث تمسک جست. و روایاتی که زن را (لعبه مرد) یا (ریحانه مرد) معرفی می‌کند نیز اطلاقی ندارد که هر استمتاعی را بگیرد، همین طور است روایاتی که دلالت دارد زن باید خواسته شوهر را اجابت کند (و لو كانت علی ظهر قتب). (الحکیم، بی تا، ۶۴/۱۴-۶۵؛ طباطبایی، ۱۴۲۴ق، ۸۰۸/۲)

گذشته از آن که این ادله اطلاق ندارد، معارض یا مقیدهایی در روایات در مقابل آنها وجود دارد. (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ۱۴/۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۷، ۱۱۹)

برخی از احادیث، بهانه‌تراشی زن و مرد را در استمتاع ناروا دانسته و از آن باز می‌دارد. (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ۱۳۷/۱۴)

### ۳،۳ اجماع

سومین دلیلی که می‌توان بدان تمسک کرد اجماع است. این که تمکین زن، از حقوق شوهر است و بر زن واجب می‌باشد امری مسلم است و در آن دعوای اجماع نیز شده است. صاحب جواهر مدعی اجماع شده است. (النجفی، ۱۴۰۴ق، ۳۰۳/۳۱)

لکن حد و مرز این تمکین مورد اجماع نیست. به تعبیر دیگر ادعای اجماع بر این که تمکین مطلقاً بر زن واجب است، آن گونه که در کلام شهید ثانی آمده، (عاملی، ۱۴۱۳ق، ۵۸۴/۱؛ عاملی، بی تا، ۱۲۲/۲) بی اساس است.

دعوای اجماع بر چنین اطلاقی بی وجه است زیرا:

اولا با وجود روایات یاد شده قبل، اجماع مدرکی است و فقیهانی که چنین دعوایی داشته باشند بر آن احادیث تکیه کرده اند.

ثانیا مسأله با این گستردگی در کلام فقیهان متقدم طرح نشده، تا بتوان از توافق آراء به اجماع دست یافت.

ثالثا فقیهانی به صراحت یا تلویح مخالف چنین اطلاقی هستند و با وجود مخالفت آنان نمی توان مدعی اجماع شد، همانند شیخ طوسی. (الطوسی، ۱۳۸۷ق، ۱۳/۶)

صاحب جواهر نیز برخی از آنچه را فقها به عنوان تمکین کامل پذیرفته‌اند، بی دلیل خوانده و نمی پذیرد. ایشان وجوب ابرازلفظی رابدون دلیل می داند و تمکین را بر آن متوقف نمی کند. (النجفی، ۱۴۰۴ق، ۳۰۷/۳۱)

صاحب حدائق نیز برخی از آنچه در روایات آمده از قبیل اظهار زینت، پوشیدن لباس زیبا و ... را مستحب می داند. (البحرانی، یوسف، پیشین.)

رابعا اجماع نقل شده، نسبت به مترتب بودن نفقه بر تمکین است، نه بر وجوب تمکین و تعیین حد و مرز آن.

عبارت جواهر در نقل اجماع چنین است: «انما الکلام فی الشرط و قدر النفقه و اللواحق و اما الشرط المتفق علیه فائنان، الاول ان یکون العقد دائما فلا نفقه لذات العقد المنقطع اجماعا بقسمیه کما عرفته فیما تقدم. و الثانی التمكن الكامل و هو التخلیه بینها و بینه علی وجه به یتحقق عدم نشوزها الذی لا خلاف فی اعتباره فی وجوب الانفاق بل الاجماع بقسمیه علیه». (النجفی، ۱۴۰۴ق، ۳۰۳/۳۱)

سخن در شروط، اندازه و ملحقات نفقه است: شرایط مورد اتفاق دو تا است:

۱- عقد دائم باشد. بر این اساس در عقد موقت نفقه نیست و اجماع دلالت دارد.

۲- تمکین کامل. یعنی زن میان خود و شوهر حائلی نگذارد آن حیلولتی که سبب نشوز است. این نیز شرطی است اجمالی.

تا اینجا دلیل کتاب و سنت و اجماع مورد بررسی قرار گرفت و اطلاقی در آنها نبود: گذشته از این بررسی دو مطلب دیگر نیز در ارتباط با این ادله درخور درنگ و تأمل است:

۱- بر فرض اطلاق ظاهری ادله گذشته تام باشد قطعا از بسیاری موارد انصراف دارد.

۲- بر فرض اطلاق، مواردی که موجب ایذاء شود و با ادله حرمت ایذاء مومن و مسلم، باید تخصیص بخورد و نمی توان قائل به تعمیم و شمول ادله شود.

نتیجه آن که، این ادله حد و مرز حق مرد یا زن را در استمتاع بیان نداشته و تنها اصل آن را می توان از ادله استتاج کرد. یعنی اطلاقی در آن نیست و نمی توان موارد مشکوک را با آن روشن ساخت.

بنابر حکم شرعی تمکین، زن جهت استمتاع (لذت جویی)، باید خود را در اختیار شوهر قرار دهد مگر مانعی وجود داشته باشد. (نجفی ۱۴۰۴ق، ۳۰۳/۳۱)

برخی از موانع:

وجود موانعی از قبیل حیض، احرام، اعتکاف واجب، روزه واجب؛ (امام خمینی، ۱۳۹۰ق، ۳۱۴/۲) سفری که با اذن شوهر است یا سفر واجب مانند سفر برای حج واجب؛ (امام خمینی، ۱۳۹۰ق، ۳۱۴/۲) بیماری مقاربتی شوهر؛ (خویی ۱۳۸۳-۱۳۸۴ش، ۵۴۷/۱) بیماری زوجه که مانع نزدیکی باشد. (نجفی ۱۴۱۷ق، ۱۶۷/۳۰)

غیر از موانع شرعی تمکین زوجه، گفتیم در شریعت اسلامی اصل حق استمتاع مرد و همچنین زن مسلم شده اما وسعت، گستره و محدوده آن بیان نگشته - که نتیجه بررسی ادله چنین بود - باید گفت دین آن را به عرف واگذار کرده است. و آیه شریفه «عاشروهن بالمعروف؛ در زندگانی با زنان به انصاف رفتار کنید.» (نساء: ۱۹) نیز بر این امر دلالت دارد. بنابراین ملاک و معیار عرف هر زمان است. (ابراهیمی، ۱۴۰۲ش ۱۳۷)

یکی از حقوقدانان نیز معتقد است: «در مورد تمکین خاص نیز عرف و اخلاق دآوری نهایی را به عهده دارد. لزوم تمکین به این معنی نیست که احساس زن به حساب نیاید. داد رسی در باره روابط عاطفی و انسانی دقیق تر از آن است که در قاعده و اصل بگنجد. زن در روابط زناشویی ماشین بهره برداری نیست. انسان است و باید با او چنان رفتار شود که شخصیت انسان اقتضاء دارد. بنابراین، در این دآوری نیز معیار تمیز تمکین به معنایی که حقوق و اخلاق مقرر داشته است، صبغه نوعی و شخصی را با هم دارد.» (کاتوزیان، ۱۳۷۸ق، ۲۲۸/۱)

و این عرف را قانونگذار می تواند به صورت قوانین اجرایی لازم الرعایه درآورد تا ضمانت اجرا نیز داشته باشد.

## ۴ مؤلفه های سبک زندگی اسلامی

### ۴،۱ دینی و اعتقادی

از میان همه ادیان الهی، دین اسلام بیشترین توجه را به بعد جنسی زندگی خانوادگی کرده است. و این امر را مقدس شمرده است. شهید مطهری ضمن بیان اهمیت دادن اسلام به ازدواج و تبیین قوانین اسلام با توجه به نیازهای اسلام در عصر حاضر بیان می کند. که «اسلام اسرار فراوانی دارد که محیط خانوادگی دارای آمادگی کامل برای کامیابی زن و شوهر از یکدیگر باشد. در این امور زن یا مردی که کوتاهی کند، مورد سرزنش و نکوهش صریح اسلام قرار گرفته است.» (مطهری ۱۳۷۲ش، ۲۶۶) تا جایی که تا کنون به آن رسیدیم اطاعت پذیری زوجه از زوج در اسلام از لحاظ فقهی واجب و از جایگاه ویژه ای برخوردار است که باعث استحکام بنیان خانواده و ترویج سبک زندگی اسلامی می شود.

### ۴،۱،۱ خدا باوری و خدا محوری

اطاعت از شوهر و خود داری از نافرمانی او مخصوصا در تمکین امور جنسی، از وظایف اولیه زن است؛ در اموری که مخالف دستورات خداوند نباشد. با توجه به آیه شریفه: «لَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ... زنان از فرمان تودر آنچه معروف است سرپیچی نکنند.» (ممتحنه: ۱۲) این آیه دلالت بر اطاعت زن از شوهر دارد. در تفسیر این آیه روایت ذیل آمده است، که از موارد بیعت پیامبر با زنان نافرمانی نکردن از اطاعت همسران می باشد.

الصَّادِق (عليه السلام) عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) أُنْذِرُ كَيْفَ بَايَعَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) النِّسَاءَ قُلْتُ اللَّهُ أَعْلَمُ وَأَبْنُ رَسُولِهِ أَعْلَمُ قَالَ جَمَعَهُنَّ حَوْلَهُ ثُمَّ دَعَا بِتَوْرٍ بِرَأْسِ فَصَبَّ فِيهِ نَضُوحًا ثُمَّ غَمَسَ يَدَهُ فِيهِ ثُمَّ قَالَ أَسْمَعُنَّ يَا هَؤُلَاءِ أَبَايَعُكُنَّ عَلَى أَنْ لَا تُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا تَسْرِقْنَ وَلَا تَزْنِينَ وَلَا تَقْتُلْنَ أَوْلَادَكُنَّ وَلَا تَأْتِينَ بَهْتَانٍ تَفْتَرِيْنَهُ بَيْنَ أَيْدِيكُنَّ وَارْجُلِكُنَّ وَلَا تَعْصِينَ بُعُولَتِكُنَّ فِي مَعْرُوفٍ أَفَرَرْتُنَّ قُلْنَ نَعَمْ فَأَخْرَجَ يَدَهُ مِنَ التَّوْرِ ثُمَّ قَالَ لِهِنَّ اغْمِسْنَ أَيْدِيَكُنَّ فَعَلْنَ فَكَانَتْ يَدُ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) الطَّاهِرَةُ أَطْيَبَ مِنْ أَنْ يَمَسَّ بِهَا كَفَّ أَثْنَى لَيْسَتْ لَهُ بِمَحْرَمٍ. (كلینی، ۱۴۰۷ق، ۵/۵۲۶)

سعدان بن مسلم گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمود: «می دانی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) با زنان چگونه بیعت کرد؟» گفتیم: «خداوند عزوجل و فرزند رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، بهتر می دانند». فرمود: آن ها را اطراف خود جمع کرد. سپس ظرفی را که در آن وضو می گرفت، طلب کرد و امر کرد که در آن آب ریختند و دستش را در آن فرو برد. سپس فرمود: «گوش فرا دهید، ای زنان! با شما بیعت می کنم که به خداوند شرک نورزید، دزدی نکنید، زنا نکنید، فرزندان را نکشید، بچه های حرام زاده پیش دست و پای خودتان را با بهتان و حيله به شوهر نبنديد، از همسرانتان در کار نیک نافرمانی نکنید. آیا می پذیرید؟» گفتند: «آری!» پس دستش را از ظرف درآورد و به آنان گفت: «دستتان را در این ظرف آب بزنید»، آنان هم چنان کردند. دست رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پاک تر از آن بود که دست زن نامحرمی را لمس کند.

در روایتی از پیامبر (صلی الله علیه وآله)، امام علی (علیه السلام)، امام باقر (علیه السلام)، امام صادق (علیه السلام)، امام کاظم (علیه السلام) به این مضمون رسیده است که: «جهاد المرأة حسن التبعل» (کلینی، ۱۴۰۷، ۵/۵۰۶) تبعل به معنی پیروی از شوهر است. بنابراین، روایت بر مطلوبیت اطاعت از شوهر دلالت دارد و جهاد زن می داند. و این اطاعت شامل اطاعت پذیری در امور جنسی زوجة نیز می شود که هر زنی که این اطاعت پذیری را برای خداوند انجام دهد، به مقام قرب الهی می رسد.

#### ۴,۱,۲ اعتقاد به زندگی پس از مرگ

اطاعت پذیری زوجة در نهایت باعث رسیدن به درجات بالا بهشتی می شود. «ادخلوا الجنة انتم وازواجکم تحبرون» (به آنها خطاب می شود): شما و همسرانتان در نهایت شادمانی وارد بهشت شوید! (زخرف: ۷۰)

«يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِنْ ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (این در حالی است که) ظرفها (غذا) و جامهای طلائی (شراب طهور) را گرداگرد آنها می گردانند؛ و در آن (بهشت) آنچه دلها می خواهد و چشمها از آن لذت می برد موجود است؛ و شما همیشه در آن خواهید ماند! (زخرف: ۷۱)

«وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» این بهشتی است که شما وارث آن می شوید بخاطر اعمالی که انجام می دادید! اعتقاد به زندگی اخروی و توجه به این نعمت ها، افراد را برمی انگیزاند که رفتار خود را در جهت کسب این نعمت ها سوق دهند. (زخرف: ۷۲) اعتقاد به باور زندگی پس از مرگ هم تاثیر بر اطاعت پذیری زوجة دارد.

#### ۴,۱,۳ ولایت پذیری

در سبک زندگی اسلامی جامعه ورای دانش و بینش فردی و جمعی از نوعی مدیریت و سرپرستی الهی برخوردار است. که، به خلاف مدیریت معمول و رایج بشری، علاوه بر مسئولیت ایجاد نظم سیاسی-اجتماعی و تامین امنیت و معاش مادی، مسئول تربیت نفوس، هدایت معنوی و معاد نیز می باشد و همه انسان ها باید طبق رهنمود ولایت عمل کنند.

«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» سرپرست و ولی شما، تنها خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده اند؛ همانها که نماز را برپا می دارند، و در حال رکوع، زکات می دهند. (مانده: ۵۵) شأن نزول آیه حضرت علی علیه السلام و مقصود ولایت آن حضرت است. (علامه امینی، ۱۳۸۷ق، ۲/۵۲)

در سبک زندگی اسلامی انسان خود را تحت چنین ولایت و ملتزم به خواست و امر آن می داند به هر نسبت که قبول ولایت و امامت به شایستگی انجام پذیرد حیات، شادابی، حرکت، پویایی و مقاومت زوجین در زندگی بیشتر می شود. حال اگر زوجة در زندگی زناشویی اطاعت پذیری داشته باشد در زمینه جنسی، در نتیجه ولایت امامان و پیامبر را پذیرفته است؛ مهمترین آیه ای که به آن استناد می شود «الرجال قوامون على النساء» (نساء: ۳۴) می باشد. و همچنین ادله وجوب اطاعت پذیری را در بخش دوم نوشتار آورده ایم.

## ۴,۲ اجتماعی

### ۴,۲,۱ حسن معاشرت

یکی از اصحاب امام جواد(ع) به نام علی بن اسباط نامه‌ای به آن حضرت نوشت و این موضوع را با آن حضرت در میان گذاشت که کسی را مثل خودش پیدا نمی‌کند تا دخترانش را به ازدواج آن‌ها درآورد، و از امام کسب تکلیف کرد. امام(ع) در پاسخ نامه وی نوشت: «فَهَمْتُ مَا ذَكَرْتَ مِنْ أَمْرِ بَنَاتِكَ وَأَنْتَ لَا تَجِدُ أَحَدًا مِثْلَكَ، فَلَا تَنْظُرْ فِي ذَلِكَ - رَحِمَكَ اللَّهُ - فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَالَ: إِذَا جَاءَكُمْ مَنْ تَرْضَوْنَ خُلُقَهُ وَدِينَهُ فَزَوِّجُوهُ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۳۴۷/۵) : آنچه را که از امر دخترانت بیان کردی دانستم و این که کسی را مثل خودت نمی‌یابی. آن را به تأخیر مینداز [یعنی دقت بیش از حد نکن و به تعبیر عامیانه مته به خشخاش مگذار] - خدا رحمت کند - که رسول خدا(ص) فرمود: هرگاه کسی [برای خواستگاری] نزدتان آمد که اخلاق و دینش را می‌پسندید، به او همسر دهید وگرنه فتنه و فساد بزرگی در زمین پدید خواهد آمد.

تشکیل خانواده سبب می‌شود که روابط جنسی محدود به محیط خانه شود و جلوگیری از تشکیل آن سبب می‌شود که گاه غریزه‌های تحت فشار سر به طغیان بردارند و به محیط جامعه کشیده شود و برای ارضای خود افراد متعددی از جامعه را آلوده کنند؛ پس این آتشی است که دودش نه تنها به چشم افراد و خانواده‌ها، که به چشم همه افراد جامعه خواهد رفت.

اسلام مهم‌ترین وظیفه زن به عنوان همسر را بعد از عبادت خداوند، پاسخگویی به نیاز جنسی شوهر دانسته و او را مکلف کرده تا در هر زمان و هر مکان ممکن به شکل مناسبی پاسخگوی نیاز جنسی همسرش باشد. روابط درست جنسی، محبت میان همسران را افزایش می‌دهد و کانون خانواده را گرم‌تر و استوارتر می‌کند.

### ۴,۲,۲ ممارست بر فکر کردن

در اسلام کانون اصیل ارضای نیاز جنسی، کانون گرم خانواده‌هاست و راهکارهایی مثل ازدواج موقت نیز که تجویز شده تنها راهکارهای موقتی و همچون قرص مسکن‌اند که برای فروکش کردن طغیان این غریزه جعل شده‌اند. اگر این نیاز جنسی - که برخاسته از غریزه‌ای سرکش است - به شکل کامل در محیط خانواده و با زناشویی برآورده شود زن و مرد آرام می‌شوند و نوعی مصونیت برای فرد و اجتماع پدید می‌آورد و دیگر این نیاز به شکل روابط نامشروع به فضای بیرون از خانواده کشیده نمی‌شود و فضای اخلاقی جامعه را آلوده و ناامن نمی‌کند.

یکی از ابعاد اخلاقی روابط جنسی همسران این است که از گناه و فساد در روی زمین پیشگیری می‌کند بدین‌بین که با ارضای غریزه جنسی در کانون گرم و صمیمی خانواده، این غریزه آرام می‌شود و دیگر سرکشی نمی‌کند و بسیاری از کارهای خلاف اخلاقی را انجام نمی‌دهد و این حقیقتی است که عقل و تجربه و وجدان آن را تصدیق می‌کند و در روایات نورانی اهل بیت(ع) هم به شکل‌های گوناگون به آن اشاره یا تصریح شده است؛

مثلاً در کلام نورانی رسول خدا(ص) که از زبان امام صادق(ع) بازگو شده چنین آمده شده است: «مَنْ تَزَوَّجَ أُحْرَزَ نَصْفَ دِينِهِ - وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ: - فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النِّصْفِ الْآخِرِ أَوْ الْبَاقِي (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۳۲۸/۵)؛ هر که ازدواج کند، نیمی از دین خود را حفظ کرده است. - و در حدیث دیگر آمده است: - پس باید در نیمه دیگر از خدا پروا کند.

## ۴،۳ اخلاقی

### ۴،۳،۱ احترام به اعضای خانواده

یکی از اصول مهم سعادتمندی خانواده، احترام متقابل زن و مرد در محیط خانوادگی است. در آموزه‌های دینی سفارش شده که هر یک از مرد و زن، باید به دیگری احترام بگذارد.

خداوند در قرآن کریم توصیه می‌کند که با همسران خود رفتار شایسته‌ای داشته باشید. «عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ؛ با آنان، بطور شایسته رفتار کنید». (نساء: ۱۹)

زن باید شوهرش را تکریم کرده، با او خوشرفتار باشد، تا خوشبختی خود، همسر و فرزندان را تضمین کند.

امام صادق علیه السلام درباره وجوب اکرام شوهر از سوی همسرش و احترام گذاشتن به او می‌فرماید: مَلْعُونَةٌ مَلْعُونَةٌ امْرَأَةٌ تُؤْذِي زَوْجَهَا وَ تَعْمَهُ وَ سَعِيدَةٌ سَعِيدَةٌ امْرَأَةٌ تُكْرِمُ زَوْجَهَا وَ لَا تُؤْذِيهِ وَ تُطِيعُهُ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِهِ؛ (کراجکی، بی تا، ۱/۱۴۴) از رحمت خدا به دور است زنی که شوهر خود را اذیت کند و ناراحتش نماید و سعادتمند است زنی که شوهر خویش را اکرام و احترام کرده، اذیتش نکند و او را در همه حال اطاعت نماید.

زن به خاطر احساس و عاطفه بیشتر و همچنین تأثیر پذیری و رقت قلب نیازمند محبت و احترام شایسته در محیط خانه از طرف شوهر خود می‌باشد. این کار سبب رشد شخصیت او و تحکیم روابط عاطفی او با شوهر و سایر اعضای خانواده خواهد بود و سعادتمندی خانواده را تأمین می‌کند.

اطاعت پذیری زوجه در مسائل جنسی نیز، یکی از مصادیق احترام به همسر است.

اگر احترام به همسر رعایت نشود، امیدی به سعادتمندی و خوشبختی زندگی نبوده و زمینه را برای بروز اختلافات هموار می‌سازد.

## ۵ نتیجه گیری

از پژوهش حاضر به دست آمد که، طبق ادله قرآن و سنت در اسلام لزوم اطاعت پذیری زوجه در مسائل جنسی پذیرفته شده است؛ و فرمانبری زنان از مردان در امور جنسی، مورد اتفاق همه دانشمندان فقهی است.

در بررسی فقهی ادله لزوم اطاعت پذیری زوجه رسیدیم که: حد و مرز حق مرد یا زن را در استمتاع بیان نشده و تنها اصل آن را می‌توان از ادله استنتاج کرد. یعنی اطلاقی در آن نیست و نمی‌توان موارد مشکوک را با آن روشن ساخت.

در بحث گستره و محدوده تمکین، غیر از موانع شرعی تمکین زوجه، گفتیم در شریعت اسلامی اصل حق استمتاع مرد و همچنین زن مسلم شده اما وسعت، گستره و محدوده آن بیان نگشته - که نتیجه بررسی ادله چنین بود - باید گفت دین آن را به عرف واگذار کرده است. و آیه شریفه «عاشروهن بالمعروف؛ در زندگانی با زنان به انصاف رفتار کنید.» (نساء: ۱۹) نیز بر این امر دلالت دارد.

از میان همه ادیان الهی دین اسلام بیشترین توجه را به بعد جنسی زندگی خانوادگی کرده است. و این امر را مقدس شمرده است.

در نتیجه اطاعت پذیری زوجه در مسائل جنسی تعالی و پیشرفت در سبک زندگی اسلامی و در نهایت به لقای الهی و بصیرت و آرامش روانی زوجین منتهی می شود.

## منابع

### قرآن کریم

- \* ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، (۱۴۲۰) ق، تفسیر القرآن العظیم، مکه: دار الطبیعه.
- \* ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴) ق، لسان العرب، بیروت: دارالفکر، دارصادر.
- \* ابراهیمی، بی بی رحیمه، (۱۴۰۲) ش، گستره تمکین خاص زوجه و مقدمات آن در تنوع عرف ها از منظر فقه امامیه، فقه و مبانی حقوق اسلامی، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، دوره ۵۶، شماره ۱، ۱۲۳-۱۴۰.
- \* جرجانی، علی بن محمد، (۱۳۰۴) ق، التعریفات، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- \* حسینی زبیدی، محمد مرتضی، بی تا، تاج العروس من جواهر القاموس، کویت، دارالهدایه.
- \* حلی، حسن ابن یوسف بن مطهر، بی تا، تحریر الاحکام الشریعه علی مذهب الامامیه، بی جا، بی نا.
- \* حلی، محمد بن منصور بن احمد ادریس، (۱۴۱۰) ق، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، چاپ دوم، قم: موسسه النشر الاسلامی.
- \* خمینی، روح الله، (۱۳۹۰) ق، تحریر الوسیله، بی جا، بی نا.
- \* خراسانی، آخوند شیخ محمد کاظم، بی تا، کفایه الاصول، قم: مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث.
- \* راغب أصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲) ق مفردات ألفاظ القرآن، بیروت - دمشق: دار القلم، الدار الشامیه .
- \* زیدان، عبدالکریم، (۱۴۱۹) ق، الوجیز فی اصول الفقه، تهران: احسان.
- \* شیخ عاملی، حر، (۱۴۱۶) ق، وسائل الشیعه، ط. الثالثه، قم، آل البيت.

- \*صابونی، محمد علی، (۱۴۰۰)ق، روائع البیان تفسیر آیات الاحکام، دمشق : مکتبه الغزالی.
- \*طباطبایی، سیدمحمدحسین ، (۱۳۷۴)ش، تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- \*طباطبایی، سیدمحمدحسین، (۱۳۹۰)ق ، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- \*طباطبایی یزدی، محمد کاظم، (۱۴۲۴)ق، العروه الوثقی مع التعليقات، چاپ پنجم، قم: اسماعیلیان.
- \*طوسی، محمد بن حسن،(۱۳۸۷)ق، المبسوط فی فقه الامامیه، تهران: چاپخانه حیدری.
- \*طبری، محمدبن جریر، بی تا، جامع البیان، بی جا، بی نا.
- \*عاملی، زین الدین بن علی بن احمد، (۱۴۱۳)ق، مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، قم : موسسه المعارف الاسلامیه.
- \*عاملی، زین الدین بن علی بن احمد، بی تا، روضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیة، بی جا، بی تا.
- \*فیومی، احمد بن محمد، بی تا، المصباح المنیر، بی جا: منشورات دارالرضی.
- \*کلینی، محمد بن یعقوب ، (۱۴۰۷)ق ، الکافی، تهران: انتشارات اسلامیة.
- \*کاتوزیان، ناصر،(۱۳۷۸)ق ، حقوق خانواده، تهران، بی نا.
- \*کراجکی، شیخ محمدبن علی، بی تا، کنزالفوائد، بیروت: دارالاضواء.
- \*مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۴) ق ، بحارالأنوار؛ الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- \*محقق حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن حسن، (۱۴۰۸)ق، شرایع السلام فی مسائل حلال والحرام، چاپ دوم، قم : موسسه اسماعیلیان.
- \*مشکینی، میرزاعلی،(۱۳۷۱)ش، اصلاحات الاصول ومعظم ابحاثها، چاپ پنجم، قم : نشر الهادی.
- \*مطهری، مرتضی، ۱۳۷۲، تعلیم وتربیت از نظر اسلام، قم، انتشارات صدرا.
- \*مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)ش ، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- \*مصطفوی، حسن، بی تا، التحقيق فی کلمات القرآن، بی جا، بی نا.
- \*موسوی خویی، بی تا، کتاب النکاح، قم: مدرسه دارالعلم.
- \*مقدس اردبیلی، احمدبن محمد، بی تا، زبدة البیان فی احکام القرآن، تهران : المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه
- \*نجفی، محمدحسن،(۱۴۰۴)ق، جواهر الکلام فی شرایع الاسلام، بیروت: دار لاحیاء التراث العربی.